

تحلیل تأثیر مخاطرات انسانی بر آمایش نواحی مرزی (مطالعه موردی: جنوب شرق ایران؛ سیستان و بلوچستان)

یاشار ذکی*

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

پریسا قربانی سپهر

کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

آرش قربانی سپهر

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

(دریافت مقاله ۱۴۰۰/۸/۱۸ - پذیرش ۱۴۰۰/۱۰/۲۳)

چکیده

امروزه با تغییرات صورت گرفته، رویکرد آمایش مرزها نیز اهمیت بیشتر و جایگاه برجسته‌ای در برقراری امنیت یافته است. امروزه برقراری امنیت در گستره قلمرو سرزمینی هر کشور مبتنی بر رویکرد آمایش سرزمین، از وظایف اولیه نظام سیاسی حاکم بر آن کشور است. جنوب شرق ایران با مخاطرات انسانی بسیاری دست به گریبان است که زمینه‌ساز ناپایداری سکونت در این ناحیه شده است. روش پژوهش در این مقاله، روش آمیخته (کمی- کیفی) است. برای توصیف پاسخ‌های داده‌شده به سؤال‌های عمومی پرسشنامه تحقیق از نرم‌افزار آماری SPSS26 استفاده شد. پرسش پژوهش حاضر این است که کدام مخاطرات انسانی بر آمایش نواحی مرزی جنوب شرق ایران بیشتر اثرگذارند؟ «فقر، حضور اتباع خارجی، مهاجرت، تروریسم و فقدان اشتغال» از مخاطرات انسانی تأثیرگذار بر امنیت در این ناحیه است که در تحقیق حاضر به آنها پرداخته شده است. یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که این ناحیه در کنار محرومیت‌های چشمگیر در بنیادهای زیستی و طبیعی، از نظر شاخص‌های توسعه‌یافتگی در پایین‌ترین سطح در مقایسه با متوسط‌های ملی قرار دارد. نتایج تحقیق بیانگر آن است که «فقدان اشتغال، قاچاق کالا و مواد مخدر» با امتیاز ۳/۷۵ در رتبه اول، «فقر» با امتیاز ۳/۶۵ در رتبه دوم، «مهاجرت» با امتیاز ۲/۸۶ در رتبه سوم، حضور اتباع بیگانه با امتیاز ۲/۴۰ در رتبه چهارم و تروریسم با امتیاز ۲/۳۳ در رتبه پنجم قرار دارد. بنابراین، شناخت این مخاطرات و در نظر داشتن آنها در برنامه‌های آمایشی گام اولیه است که باید در سند آمایشی این ناحیه مدنظر قرار گیرد تا بتوان مخاطرات انسانی شکل گرفته در این ناحیه را مدیریت کرد.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌پذیری اجتماعی، آمایش نواحی مرزی، ایران، سیستان و بلوچستان، مخاطرات انسانی.

مقدمه

مرز از شاخص‌های حساس و راهبردی در حیات سیاسی، امنیتی، اقتصادی و توسعه هر کشور است و به‌مانند ویت‌ترین کشور در برابر تهدیدها و فرصت‌ها عمل می‌کند [۷]؛ اما امروزه با تغییرات صورت‌گرفته، مرزها نیز اهمیت بیشتری یافته‌اند و در برقراری امنیت جایگاه برجسته‌ای دارند. برقراری امنیت در گستره قلمرو سرزمینی هر کشور، از وظایف بنیادین نظام سیاسی حاکم است. در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیز مسئله تهدیدهای امنیتی و برقراری امنیت در منطقه جنوب شرق، همواره از دغدغه‌های اصلی رهبران سیاسی و مدیران امنیتی بوده است. استان سیستان و بلوچستان از مناطقی است که از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون دچار بحران‌ها و ناآرامی‌های دامنه‌داری شده است. این استان به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و قرار گرفتن در همسایگی کشورهای پاکستان و افغانستان و دریای عمان و ویژگی‌های انسانی خاص، دارای موقعیت ویژه نظامی بوده و از وزن ژئوپلیتیکی زیادی برخوردار است. از این‌رو تهدیدهای امنیتی در این منطقه براساس منشأ شکل‌گیری تهدید ممکن است شامل تهدیدهای امنیتی با منشأ داخلی، تهدیدهای امنیتی با منشأ مسائل مرزی و تهدیدهای امنیتی با منشأ خارجی (فرامنطقه‌ای) نیز باشد. در مجموع، کنش‌ها و واکنش‌های این سه سطح، امنیت منطقه را تحت تأثیر قرار داده است. این تهدیدها را می‌توان براساس مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی-امنیتی، اقتصادی و جغرافیایی-طبیعی تعریف کرد [۱۳].

نواحی مرزی به دلیل مجاورت با کشورهای خارجی و شرایط جغرافیایی و سیاسی حاکم بر آنها، ویژگی‌های خاص خود را دارند که جزء تفکیک‌ناپذیر آنهاست و تأثیرات مستقیمی بر روند توسعه این نواحی دارد. بی‌توجهی به این ویژگی‌ها تأثیرات منفی بر روند توسعه و امنیت نواحی مرزی می‌گذارد و همچون تهدیدی در برابر توسعه عمل خواهد کرد. اما توجه به این موضوع در فرایند برنامه‌ریزی توسعه و آمایش، پیامدهای مثبتی دارد و سبب تبدیل آنها از تهدید به فرصت می‌شود. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی، ناپایداری سکونت و جابه‌جایی مداوم جمعیت، تبادل‌های غیرقانونی مرزی، تفاوت‌های فرهنگی و قومی و مذهبی با نواحی داخلی کشور و تهدیدهای خارجی [۱۴، ص ۵۳]. بر این اساس، بحران‌ها و ناامنی‌های جنوب شرق کشور، آسیب‌های جانی و مالی زیادی بر پیکر استان، نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی، ارگان‌های دولتی و مردم وارد می‌کند. حساسیت‌های زیاد استان با توجه به موقعیت جغرافیایی و ساختارهای طبیعی، انسانی و سیاسی-فرهنگی، امنیتی و نظامی خاص و سابقه چندین ساله بحران، ضرورت شناخت همه‌جانبه استان و پژوهش‌های مفصل علمی برای

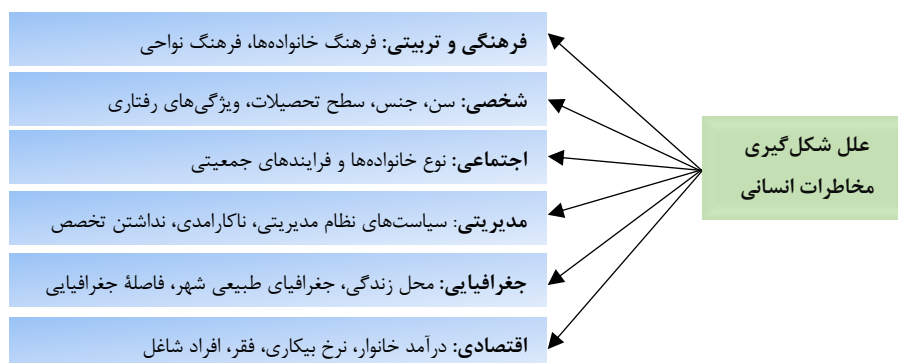
کشف علل و عوامل ناامنی و یافتن راهکارهای مناسب برقراری امنیت و استفاده از فرصت‌های منطقه‌ای را ضرورت می‌بخشد. این موضوع جز با مطالعات منطقه‌ای محقق نمی‌شود [۱۶]. بنابراین مخاطرات انسانی در جنوب شرق کشور زمینه‌شکنندگی این منطقه را فراهم ساخته و زیست این نواحی را دچار ناپایداری کرده است و موانعی جدی بر سر راه آمایش این ناحیه به حساب می‌آید. در گام نخست باید این مخاطرات را شناخت و سپس با ارائه برنامه‌هایی با دیدگاه آمایشی درصدد کنترل و کاهش آنها برآمد و زمینه توسعه و ایجاد امنیت را در جنوب شرق کشور فراهم ساخت. پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که کدام مخاطرات انسانی بر آمایش نواحی مرزی جنوب شرق ایران بیشتر اثرگذارند.

چارچوب نظری

مخاطره‌شناسی را باید علم جوینده سلامت دانست؛ از این رو نمی‌توان آن را جدا از دیگر علوم در نظر گرفت [۲۳]. از این رو در مباحث مربوط به مخاطرات محیطی، بیشتر پژوهش‌ها و تحقیقات در زمینه مخاطرات طبیعی مانند سیل، زلزله، توفان و خشکسالی است و به مخاطرات انسانی کمتر توجه شده است [۲۲]. مخاطرات انسانی توسط انسان یا ناشی از فعالیت‌های انسانی به وقوع می‌پیوندند. مخاطرات انسانی حوادثی هستند که انسان‌ها عامل ایجاد آنها هستند یا به‌گونه‌ای در ایجاد آنها تأثیر زیاد دارند [۲۶]. مخاطراتی که عامل انسانی در رویداد آنها اثر دارند، قابل پیشگیری و کنترل‌پذیرند [۲۷، ص ۱۱۹]. عوامل مخاطرات انسانی اغلب اشتباهات، سهل‌انگاری‌ها، رعایت نکردن اصول ایمنی و ضعف فنی و ابزاری است. این فعالیت‌ها ممکن است اقتصادی، تولیدی، خدماتی، تحقیقاتی، آموزشی، فرهنگی و تفریحی باشند. به‌طور کلی با افزایش جمعیت کشورها و پیشرفت‌های چشمگیر علوم و فنون در جهان، امروز عمق و شدت این مخاطرات افزایش پیدا کرده و بعد جدیدی در مدیریت بحران گشایش یافته است [۵]. از جمله مخاطرات انسانی می‌توان شورش، جابه‌جایی گسترده جمعیت، حملات نظامی به مراکز حساس، جرم و جنایت، تهدیدهای سایبری، قاچاق، بیکاری، فقر، مهاجرت، بیماری‌های ویروسی و ... را نام برد. بنابراین تأثیر مخاطرات انسانی بر محیط زیست از مخاطرات طبیعی بیشتر است و کنترل نکردن این‌گونه مخاطرات، ممکن است زمینه نابودی محیط زیست را فراهم آورد.

ضرر و زیان به لحاظ جغرافیایی، در طول زمان، و در میان گروه‌های مختلف اجتماعی متفاوت است؛ آسیب‌پذیری نیز در طول زمان و فضا متفاوت است [۲۵]. به عبارت دیگر، مفهوم آسیب‌پذیری اجتماعی در ابعاد گسترده و برای سطوح مختلف مکانی استفاده شده است [۳۰]. آسیب‌پذیری از دو جزء کاملاً مجزا تشکیل شده است: آسیب‌پذیری اجتماعی - اقتصادی،

آسیب پذیری فیزیکی. آسیب پذیری اجتماعی توضیح می‌دهد که چرا بعضی جوامع از مخاطرات محیطی رنج می‌برند، درحالی که دیگران به این وضعیت دچار نیستند [۲۹]. از دیدگاه آسیب‌پذیری اجتماعی می‌توان اغلب اظهار داشت که بخش‌های فقیرتر جمعیت بیشتر در معرض خطرهای فاجعه قرار دارند. گروه‌های کم‌درآمد، از سوی دیگر گزینه‌های کمتری نسبت به ثروتمندان برای مقابله با فاجعه دارند [۲۸]. آسیب‌پذیری اجتماعی ابتدا در علوم اجتماعی مطرح شد. منشأ این کلمه را می‌توان در کیفیت زندگی و مطالعات زیست‌پذیری در علوم اجتماعی و رفتاری دانست. این تحقیقات در پی این بودند که ویژگی‌های پایدارکننده یا ناپایدارکننده یک مکان را شناسایی کنند [۲۴].



شکل ۱. علل شکل‌گیری مخاطرات انسانی (نگارندگان)

آمایش بهترین توزیع جغرافیایی فعالیت‌های اقتصادی سیاسی در چارچوب جغرافیایی معین به‌دنبال بهترین توزیع ممکن جمعیت، سازماندهی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط زیستی به‌منظور تحقق آینده‌های مطلوب، برنامه‌ریزی و سازمان دادن انسان، فضا و فعالیت، نظارت بر عمران، حفاظت فضا یا سرزمین، چارچوب نظری توسعه نواحی مرزی و در کل، چارچوب توسعه ناحیه‌ای است [۱۷، ص ۵۰]. از این‌رو آمایش نواحی مرزی، بهره‌برداری مطلوب از همه امکانات انسانی و فضایی این نواحی با هدف بهبود وضع مادی و معنوی جامعه در نواحی مرزی است [۳]. از آنجا که نواحی مرزی با نواحی مرکزی متفاوت است، این چارچوب نظری بر تفسیر پدیده نبود تعادل ناحیه‌ای میان نواحی مرزی و نواحی مرکزی استوار است. اصولاً محور بحث‌های همه نظریه‌های مربوط به توسعه ناحیه‌ای، پدیده نبود تعادل ناحیه‌ای است. این نظریه‌ها یا پدیده نبود تعادل ناحیه‌ای را تفسیر می‌کنند یا برای رفع آن راه حل ارائه

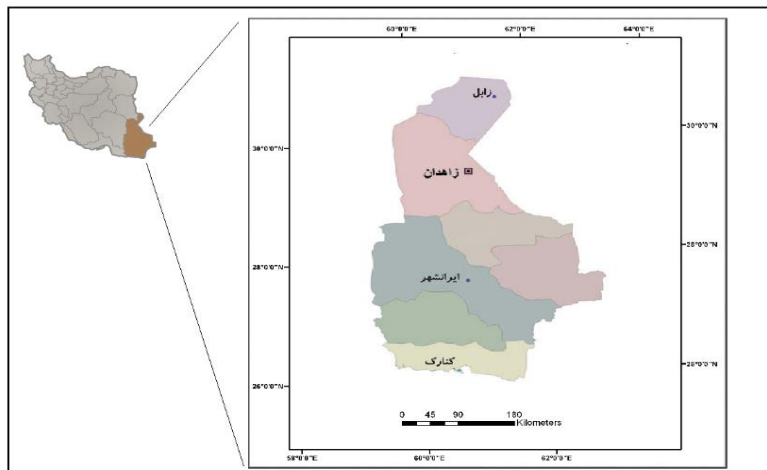
می‌دهند. از آنجا که نبود تعادل ناحیه‌ای میان نواحی مرزی و نواحی مرکزی مشهود و شاخص است، پایه‌های نظری آمایش نواحی مرزی، نظریه‌های توسعه منطقه‌ای است [۱۷، ص ۵۰] از این‌رو هدف اساسی مدیریت و برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، توزیع فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و ظرفیت‌های آشکار و پنهان با توجه به تحولات و دگرگونی‌های زمان و نیازهاست که اغلب با دیدی درازمدت و به منظور بهره‌برداری بهینه از امکانات آن و همچنین هویدا کردن نقش و مسئولیت خاص هر منطقه براساس توانمندی‌ها و قابلیت‌های آن به‌طور هماهنگ با دیگر نواحی است [۶]. آمایش نواحی مرزی نوعی برنامه‌ریزی است که توسعه را با امنیت و دفاع از نیازهای نواحی مرزی، در چارچوب شرایط نواحی مرزی، به یکدیگر پیوند می‌دهد و راهکاری برای توسعه نواحی مرزی معرفی می‌کند که در آن امنیت و توسعه لازم و ملزوم یکدیگر می‌شوند [۱۴، ص ۱۴]. از این‌رو گرچه آمایش نواحی مرزی، نوعی فن برنامه‌ریزی است، خود بر پایه‌های نظری و روش‌شناسی علمی خاصی متکی است که ضمن تحلیل و تفسیر شرایط و ویژگی‌های نواحی مرزی، موانع توسعه یا امنیت را با هم در نظر می‌گیرد و برای آنها راه‌حل‌های یکپارچه‌ای ارائه می‌دهد تا اهداف توسعه و امنیت در نواحی مرزی را بر یکدیگر منطبق سازد. بنابراین می‌توان «آمایش» را نوعی برنامه‌ریزی راهبردی- فضایی و «آمایش نواحی مرزی» را نوعی برنامه‌ریزی راهبردی در فضای مرزی کشورها دانست [۱۲].

روش تحقیق

روش پژوهش در این مقاله، روش آمیخته (کمی- کیفی) است. این پژوهش از لحاظ هدف از نوع کاربردی و از حیث روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از شیوه کتابخانه‌ای و میدانی (مصاحبه با ۷۰ متخصص آشنا به موضوع تحقیق) استفاده شده است. روش نمونه‌برداری در این تحقیق روش نمونه‌برداری گلوله برفی است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌های جمع‌آوری‌شده از تحلیل‌های کیفی و همچنین روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده است. برای توصیف پاسخ‌های داده‌شده به سؤالات عمومی پرسشنامه تحقیق از نرم‌افزار آماری SPSS26 و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از آزمون فریدمن استفاده شده است.

استان سیستان و بلوچستان براساس آخرین تقسیمات سیاسی کشوری دارای ۱۹ شهرستان، ۴۸ بخش، ۳۷ شهر، ۱۱۲ دهستان و ۹۷۱۶ آبادی کددار است. شهرستان‌های استان عبارت‌اند از: زاهدان، میرجاوه، زابل، زهک، هیرمند، هامون، نیمروز، ایرانشهر، چابهار، نیکشهر، خاش، سراوان، سرباز، فنوج، سیب سوران، دلگان، مهرستان، قصرقند و کنارک. جمعیت استان

در سال ۱۳۹۰ برابر با ۲۵۳۴۳۲۷ نفر (۳/۲ درصد جمعیت کشور) بوده است که بنابراین از کم تراکم‌ترین استان‌های کشور محسوب می‌شود [۸].



شکل ۲. منطقه پژوهش (جنوب شرق ایران؛ سیستان و بلوچستان)

یافته‌های تحقیق

نواحی مرزی به دلیل مجاورت با کشورهای خارجی و شرایط جغرافیایی و سیاسی حاکم بر آنها، ویژگی‌های خاصی دارند که جزء تفکیک‌ناپذیر آنها به شمار می‌روند و تأثیرات مستقیمی بر روند توسعه این نواحی دارند. بی‌توجهی به این ویژگی‌ها تأثیرات منفی بر روند توسعه و امنیت خواهد داشت و همچون تهدیدی در برابر توسعه عمل خواهد کرد. اما توجه به این ویژگی‌ها در فرایند برنامه‌ریزی توسعه و آمایش، پیامدهای مثبتی دارد و سبب تبدیل آنها از تهدید به فرصت می‌شود. اثرگذارترین مخاطرات انسانی در آمایش استان سیستان و بلوچستان براساس مصاحبه با تعدادی از نخبگان و صاحب‌نظران این حوزه را می‌توان به‌طور خلاصه به‌صورت زیر بیان کرد:

۱. فقر

فقر از مشکلات اساسی جوامع بشری و نشانه بارز توسعه‌نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و سلامت روانی اقشار جامعه را به خطر می‌اندازد [۱۵]. استان سیستان و بلوچستان به دلیل دوری از مرکز و قرار گرفتن در نقطه کور کشور از هر مزیت و اشتغالی به دور است. همچنین به دلیل سوء مدیریت مسئولان و بهره‌نگرفتن از

پتانسیل‌های بالقوه، آمار فقر و بیکاری همچنان در این استان افزایش داشته است و به همین دلیل تعدادی از شهروندان به گروه‌های تروریستی ملحق شده یا به قاچاق کالا رو آورده‌اند. بر این مبنا می‌توان گفت فقر از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر آمایش این ناحیه است. از این‌رو برنامه توسعه این ناحیه با دیدگاه آمایشی باید به گونه‌ای باشد که در کوتاه‌ترین زمان، وضعیت اقتصادی ساکنان را رشد دهد و رضایت آنان را جلب کند.

۲. وجود اتباع خارجی

با اجرایی شدن طرح منطقه ممنوع در استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان توسط دولت و از طرفی با آغاز طرح هدفمندی یارانه‌ها و نیاز به داشتن مدرک هویتی ایرانی، عده زیادی از اتباع بیگانه برای ادامه اقامت خود اقدام به جعل اسناد و مدارک هویتی کردند. این موضوع در سال‌های اخیر برای سیستان و بلوچستان به معضلی اساسی در بسیاری از مسائل امنیتی و اجتماعی تبدیل شده است [۱۱].

هجوم مهاجران افغانستانی و پاکستانی گذشته از تهدید ثبات داخلی، موجی از تنش‌های داخلی را در سیستان و بلوچستان و کشور به وجود می‌آورد و موجب تحمیل هزینه‌های اضافی بر سیستم‌های اقتصادی دولت، برای پاسخگویی به حداقل نیازهای معیشتی این مهاجران می‌شود [۹]. زاغه نشینی در اطراف شهرهای بزرگ و تکدی‌گری از پیامدهای حضور این مهاجران در فضای جغرافیایی سیستان و بلوچستان است. به این نکته نیز باید اشاره کرد که اقتصاد استان در بعضی نواحی در تسلط افغانه و اهل سنت است. رشد بی‌رویه جمعیت با دیدگاه سیاسی و آمیخته شدن آن با عقاید مذهبی، جمعیت استان را جوان‌ترین جمعیت از لحاظ سنی در بین استان‌های کشور کرده که در کنار فقر اقتصادی، مشکلات عدیده امنیتی، سیاسی، آموزشی، تربیتی و... را موجب شده و در نهایت توازن جمعیت را به نفع اهل سنت تغییر داده است. اخیراً نیز عده‌ای از اتباع افغانستان با تهیه یا جعل شناسنامه‌های ایرانی در شهرهایی مانند زابل مقیم شده و اقدام به خرید زمین کرده‌اند و ترکیب جمعیتی این منطقه را تغییر داده‌اند که در آینده زمینه‌ساز بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی خواهد شد. در این زمینه با برنامه‌ریزی‌های آمایشی نوین باید از شکننده شدن فضا توسط اتباع بیگانه جلوگیری کرد.

۳. مهاجرت

مردم سیستان و بلوچستان و روستاهای پراکنده آن نزدیک به دو دهه است که با مشکلات عدیده‌ای از جمله خشکسالی، بسته شدن مرز، نبود آب در تالاب بین‌المللی هامون، ناممکن بودن فعالیت‌های دامداری و کشاورزی پایدار در منطقه و ... مواجه‌اند. این موضوع سبب شده که برخی

از مردم منطقه، مهاجرت به شهرها و استان های برخوردار را بر ماندن در محل سکونت خود ترجیح دهند. در سال های اخیر نیز به دلیل ناامنی، شمار افراد خارج شده از استان بیشتر از مهاجران وارد شده بوده است [۲]. مهم ترین علل مهاجرت مردم سیستان و بلوچستان، بی آبی، بیکاری و تغییرات اکولوژیک منطقه است که شکننده شدن فضای جغرافیایی منطقه را در پی دارد. مقوله مهاجرت از سیستان و بلوچستان به دلیل شرایط خشکسالی و مشکلات ناشی از روی کار آمدن طالبان، انحراف مسیر رودخانه و خشکی تالاب هامون رخ داد [۴]. برای پیشگیری از مهاجرت جمعیت به دیگر مناطق کشور، باید توسعه و امنیت پایدار را در پیش بگیریم. در این بین برقراری رابطه خوب با کشورهای همسایه با هدف جلوگیری از بهره برداری از سدهای ساخته شده در رودخانه های مرزی و بازگرداندن جریان زندگی به این منطقه اهمیت زیادی دارد. به هر حال اگر مانع مهاجرت نشویم در آینده ای نه چندان دور بیشتر جمعیت این ناحیه به نواحی دیگر مهاجرت خواهند کرد و این استان ظرفیت های نهفته خود را از دست خواهد داد.

۴. تروریسم

ایران به دلیل وضعیت ژئوپلیتیکی خود و دارا بودن ساختار موزایکی قومی و فرهنگی، زمینه های لازم را برای ایجاد و مواجهه با بحران های امنیتی داراست. یکی از مخاطرات انسانی مهم در حوزه امنیتی کشور، فعالیت گروهک های تروریستی در استان سیستان و بلوچستان است [۱۸]. در منطقه جنوب شرقی ایران به دلیل برقرار ماندن ماهیت و ساختار سنتی و مبتنی بودن ساختار قدرت سیاسی و اجتماعی بر نظام طایفه ای - قومی و از طرفی به دلیل تأثیرات ناشی از شرایط نامساعد زیستی برای ساکنان این منطقه، شرایط برای تلفیق خشم طبیعت و خشونت انسان و در نتیجه زمینه عملیات تروریستی و روانی برای مخالفان دولت مرکزی فراهم است [۲۱، ص ۹]. تروریسم و عملیات تروریستی در جنوب شرقی کشور (سیستان و بلوچستان)، زمینه ناامنی را فراهم آورده و مانعی جدی برای آمایش این ناحیه است. از این رو همکاری ایران با کشورهای همسایه در زمینه نابودی تروریسم ضرورت دارد؛ در غیر این صورت با وجود مخاطرات انسانی بسیار در این ناحیه، ممکن است در آینده مردم منطقه عضو گروهک های تروریستی شوند و در مقابل نظام قد علم کنند که در این زمینه دولتمردان باید تدابیر ویژه ای بیندیشند.

۵. فقدان اشتغال (قاچاق کالا و مواد مخدر)

قاچاق کالا و مواد مخدر افزون بر آثار زیانبار بر تولید داخلی و اقتصادی ناشی از آن، ناهنجاری های بسیاری به همراه دارد [۲۰]. پدیده قاچاق کالا تهدیدی جدی بر سر راه تجارت

آزاد است و هزینه‌های زیادی نیز بر بدنه اقتصاد کشور تحمیل می‌کند [۱۰]. محرومیت‌های شدید اقتصادی و بیکاری شدید در نواحی مرزی، تأثیر شگرفی در افزایش عبور غیرقانونی انسان و به تبع آن قاچاق کالا، مواد مخدر، اسلحه، سوخت، دام و سایر امور محل امنیت مرزها دارد [۱۱]. ایران در مسیر دو منبع اصلی تولید افغانستان و مصرف مواد مخدر در اروپا قرار دارد. انتقال مواد مخدر تولیدشده در افغانستان به بازارهای اروپا از راه فضای سرزمینی ایران دربرگیرنده چند امتیاز کمتر قابل جایگزینی است؛ این معبر نسبت به معبرهای کشورهای شمالی و جنوبی تک جداره است. در واقع انتقال مواد از طریق آسیای مرکزی به اروپا، نیازمند عبور این مواد از فضاهای سرزمین چند کشور است، درحالی که معبر ایران بدون واسطه دیگری به ترکیه و اروپا منتهی می‌شود [۱۹، ص ۱۵۱]. بنابراین هم‌مرز بودن سیستان و بلوچستان با کشورهای افغانستان و پاکستان اگرچه می‌تواند فرصت‌های زیادی را برای این ناحیه به ارمغان آورد، تهدیدهایی هم در پی دارد؛ از جمله قاچاق کالا، مواد مخدر و شغل‌های کاذب که دلیل آن نبود اشتغال است که این نوع شغل‌ها بر اقتصاد کشور و این ناحیه زیان می‌رساند و همچنین سبب ایجاد ناامنی در این ناحیه می‌شود. از این رو باید برنامه‌ای آمایشی با دیدگاه اقتصادی برای این ناحیه نوشته شود تا بتوان توسعه را به این ناحیه آورد و مخاطره قاچاق کالا و مواد مخدر را در این ناحیه کنترل کرد و زمینه پایداری این ناحیه را فراهم آورد.

برای جواب به این پرسش که کدام مخاطرات انسانی بر آمایش نواحی مرزی جنوب شرق ایران اثرگذارند، پرسشنامه طیفی بین (نخبگان و مسئولان استان) توزیع شد. در این پرسشنامه با توجه به مشاهدات و گزارش‌های میدانی، پنج مخاطره انسانی را در نظر گرفتیم که پاسخگویان از خیلی کم تا خیلی زیاد به آنها امتیاز دادند. سپس برای تجزیه و تحلیل آنها از آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی گویه بهره گرفته شد.

جدول ۱. وضعیت رتبه‌بندی تهدیدها

ردیف	شاخص‌ها	رتبه	Mean Rank
۱	فقر	۲	۳/۶۵
۲	وجود اتباع بیگانه	۴	۲/۴۰
۳	مهاجرت	۳	۲/۸۶
۴	تروریسم	۵	۲/۳۳
۵	فقدان اشتغال (اشتغال کاذب، قاچاق کالا و مواد مخدر)	۱	۳/۷۵

a. Friedman Test

بر اساس نتایج آزمون فریدمن می‌توان گفت در بین گویه‌های تحقیق، گویه پنجم یعنی «فقدان اشتغال؛ قاچاق کالا و مواد مخدر» در رتبه اول و گویه اول یعنی «فقر» در رتبه دوم قرار می‌گیرد. «مهاجرت» با امتیاز ۲/۸۶ در رتبه سوم، وجود اتباع بیگانه با امتیاز ۲/۴۰ در رتبه چهارم و تروریسم با امتیاز ۲/۳۳ در رتبه پنجم جای می‌گیرد.

جدول ۲. معناداری آزمون فریدمن

Test Statistics ^a	
N	۶۹
Chi-Square	۷۰/۰۷۱
Df	۴
Asymp. Sig.	.۰۰۰

a. Friedman Test

جدول ۲ نیز میزان معناداری را نشان می‌دهد که می‌توان گفت با توجه به برابری میزان sig با صفر معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری

شرق کشور به‌ویژه استان سیستان و بلوچستان، یکی از نقاط کشور به‌شمار می‌رود که مسئله امنیت و ناامنی در آن از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. از جمله مخاطرات انسانی تأثیرگذار بر امنیت و ناامنی در این ناحیه که در تحقیق حاضر به آن پرداخته شد، فقر، وجود اتباع خارجی، مهاجرت، تروریسم و فقدان اشتغال (اشتغال کاذب، قاچاق کالا و مواد مخدر) است. نتایج بررسی‌های کتابخانه‌ای نشان‌دهنده افزایش این مخاطرات انسانی در ناحیه جنوب شرق ایران در طی سال‌های اخیر است. از این‌رو، این ناحیه در کنار محرومیت‌های چشمگیر در بنیادهای زیستی و طبیعی، از نظر شاخص‌های توسعه‌یافتگی تقریباً در پایین‌ترین سطح در مقایسه با متوسط‌های ملی قرار دارد. بر این اساس، برای کشوری مانند ایران که از تنوع قومی و زبانی بسیار ناهمگونی برخوردار است و دنباله‌های قومی آن در آن سوی مرزهای بین‌المللی قرار گرفته و از طرفی از نظر ژئوپلیتیک نیز عوامل طبیعی و جغرافیایی به جدایی آنها از دیگر نواحی مرکزی ایران کمک کرده، مشکل می‌توان بدون در نظر گرفتن عوامل مذکور به نتیجه‌ای رسید. بعد از انقلاب اسلامی اقدامات زیاد و مثبتی در راستای ایجاد فرصت‌های توسعه اقتصادی اقوام ایران به‌خصوص در نواحی مرزی صورت گرفته است، ولی هنوز فاصله شاخص‌های توسعه بین

نواحی مرکزی و حاشیه‌ای کشور بسیار زیاد است که گاه با رشد جمعیت نیز در حال گسترده شدن است. بنابراین، کاهش اختلاف شاخص‌های توسعه میان استان‌های محروم و توسعه‌یافته از اولویت‌های دولت برای تقویت وحدت ملی است. بر این بنیاد، وجود مخاطرات انسانی مانعی جدی برای اجرای برنامه‌های آمایشی در این ناحیه است که باید توسط مدیران ملی و محلی پیگیری شود تا در گام نخست این مخاطرات کنترل و سپس کم‌رنگ شود. در بین گویه‌های تحقیق، «فقدان اشتغال؛ قاچاق کالا و مواد مخدر» با امتیاز ۳/۷۵ در رتبه اول، «فقر» با امتیاز ۳/۶۵ در رتبه دوم، «مهاجرت» با امتیاز ۲/۸۶ در رتبه سوم، وجود اتباع بیگانه با امتیاز ۲/۴۰ در رتبه چهارم و تروریسم با امتیاز ۲/۳۳ در رتبه پنجم قرار گرفته است. با وجود این مخاطرات، نخبگان می‌توانند با ارائه راهبردهای مناسبی زمینه توسعه پایدار را در این ناحیه فراهم آورند. بنابراین، شناخت این مخاطرات و در نظر داشتن آنها در برنامه‌های آمایشی گام اولیه است که باید در سند آمایشی این ناحیه مدنظر قرار گیرد تا بتوان مخاطرات انسانی شکل گرفته در منطقه را مدیریت کرد.

تقدیر و تشکر

این مقاله با حمایت گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران تهیه شده که بدین وسیله تشکر می‌شود

منابع

- [۱]. ابراهیم‌زاده آسمین، حسین؛ و عباسیان، مجتبی (۱۳۸۹). «بررسی عوامل و دلایل قاچاق در استان سیستان و بلوچستان و راهکارهای رفع آن»، *دوماهنامه توسعه انسانی پلیس*، سال هفتم، شماره ۳۱، ص ۱۳۰-۱۰۹.
- [۲]. آبیلی، مریم (۱۳۹۱). «نقش پدیده مهاجرت در امنیت استان سیستان و بلوچستان»، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، ص ۷-۱.
- [۳]. پرنیان، حاتم (۱۳۹۶). استراتژی‌های توسعه مناطق مرزی با رویکرد آمایش سرزمین (ناحیه مطالعاتی: ارومیه- سلماس)، *اطلاعات جغرافیایی سپهر*، دوره ۲۶، شماره ۱۰۴، ص ۱۸۴-۱۷۳.
- [۴]. جان‌پرور، محسن؛ صالح‌آبادی، ریحانه؛ و زرگری، مطهره (۱۳۹۶). «پیامدهای بحران مهاجرت ناشی از خشکسالی‌های کوتاه‌مدت در استان سیستان و بلوچستان»، *جغرافیا*، سال پانزدهم، شماره ۵۲، ص ۱۹۹-۱۸۳.
- [۵]. حیدری‌فر، محمدرئوف (۱۳۹۱). «مخاطرات انسانی: تهدیدهای امنیتی ناشی از تقابل انسان و محیط»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۴، شماره ۸۱، ص ۱۷۶-۱۵۷.
- [۶]. خنیفر، حسین (۱۳۸۹). «درآمدی بر مفهوم آمایش سرزمین و کاربرد آن در ایران»، *آمایش سرزمین*، سال دوم، شماره ۲، ص ۲۵-۵.
- [۷]. ذکی، یاشار؛ افضل، رسول؛ مرادی، اسکندر؛ و رنجبری کمال (۱۳۹۸). «عوامل اثرگذار بر رویکرد امنیتی در آمایش نواحی مرزی استان کردستان»، *جغرافیا*، سال هفدهم، شماره ۶۲، ص ۶۱-۴۱.
- [۸]. رحمتی، صفرقادر؛ خادم‌الحسینی، احمد؛ و محمدی‌فرد، علی (۱۳۸۹). «تحلیلی بر درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان»، *آمایش محیط*، دوره ۳، شماره ۹، ص ۱۱۳-۹۷.
- [۹]. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۸۵). «گزارش عملکرد گذشته و وضع موجود بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان سیستان و بلوچستان»، سازمان برنامه و بودجه زاهدان.
- [۱۰]. شاطریان، محسن؛ اشنویی، امیر؛ و گنجی‌پور، محمود (۱۳۹۶). تحلیل راهبردی مناطق مرزی (مطالعه موردی: شهرهای مرزی استان کردستان)، *مطالعات شهری*، دوره ۳، شماره ۱۱، ص ۸۷-۱۰۰.

- [۱۱]. عرب، موسی؛ و کوچکزایی، زهرا (۱۳۹۸). «مهاجرت اتباع بیگانه به استان سیستان و بلوچستان راهکارها و پیامدها»، *دانش انتظامی سیستان و بلوچستان*، سال دهم، شماره ۳۳، ص ۵۶-۲۸.
- [۱۲]. عزتی، نصرالله؛ حیدری پور، اسفندیار؛ و اقبالی، ناصر (۱۳۹۰). «نقش و جایگاه آمایش مناطق مرزی در نظام برنامه ریزی (مطالعه موردی: مناطق مرزی ایران)»، *نگرش های نو در جغرافیای انسانی*، سال سوم، شماره ۴، ص ۱۹۷-۱۷۹.
- [۱۳]. علی پور، عباس؛ و محمدحسینی، مسعود (۱۳۹۱). «سنجش تهدیدهای امنیتی در جنوب شرق ایران (با تأکید بر امنیت مرزی)»، *سیاست دفاعی*، سال بیستم، شماره ۷۸.
- [۱۴]. عندلیب، علیرضا؛ و مطوف، شریف (۱۳۷۹). *تجربه های آمایش مناطق مرزی دوباره آلمان و درس هایی برای ایران*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- [۱۵]. قاسمی، محمد؛ و کیلی، نیما؛ و کیلی، نادیا (۱۳۹۸). «بررسی سیاست های کاهش فقر براساس اسناد فرادستی با رویکرد آینده نگاری منطقه ای: مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان، ایران»، *سیاست های مالی و اقتصادی*، سال هفتم، شماره ۲۸، ص ۸۹-۶۱.
- [۱۶]. قربانی سپهر، آرش؛ متقی، افشین؛ صمدزاده، حسن؛ و دلالت، مراد (۱۳۹۸). «تحلیل تهدیدات طبیعی و انسانی سیستان و بلوچستان و پیامدهای امنیتی آن»، *پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی*، سال دوازدهم، شماره ۱، ص ۶۰-۳۳.
- [۱۷]. کالینگورس، بری وی (۱۳۸۷). *برنامه ریزی بریتانیایی: پنجاه سال سیاستگذاری شهری و منطقه ای*، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران: آذرخش.
- [۱۸]. کاویانی، حسن؛ ابراهیمی، حسین؛ و ساعدی، بیژن (۱۳۹۸). «آینده پژوهی سناریوهای احتمالی گروهک های تروریستی در استان سیستان و بلوچستان»، *راهبرد دفاعی*، سال هفدهم، شماره ۶۵، ص ۱۳۹-۱۱۱.
- [۱۹]. کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹). «ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)»، *جهاد دانشگاهی تربیت مدرس*، تهران.
- [۲۰]. محسنی پور، حمیدرضا؛ محمودیان عطاءآبادی، حمید؛ و سلطانی، حسن (۱۴۰۰). «کاهش مخاطرات قاچاق کالا و ارز با استفاده از راهبردهای اقتصاد مقاومتی و تقویت تولید ملی»، *مدیریت مخاطرات محیطی*، دوره ۸، شماره ۲، ص ۲۰۵-۱۹۱.
- [۲۱]. محمدزاده، لیلا (۱۳۹۱). «نقش و تأثیر تروریسم سازمان یافته در بروز و تشدید ناامنی های جنوب شرق ایران»، تهران، دانشگاه آزاد تهران مرکزی.

- [۲۲]. مطیعی لنگرودی، سید حسن (۱۳۹۶). «ضرورت پرداختن به مخاطرات انسانی؛ بیکاری»، *مدیریت مخاطرات محیطی*، دوره ۴، شماره ۲، ص ۹۷-۱۰۱.
- [۲۳]. مقیمی، ابراهیم (۱۳۹۶). «چرا دانش مخاطرات (مخاطره‌شناسی امری فطری است)؟»، *مدیریت مخاطرات محیطی*، دوره ۴، شماره ۱، ص ۱-۷.
- [24]. Cutter, S. L.; & Emrich, C. T. (2006). "Moral Hazard, Social Catastrophe: The Changing Face of Vulnerability along the Hurricane Coasts", *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, Vol.604, No.1, pp: 102-112. <https://doi.org/10.1177/0002716205285515>.
- [25]. Cutter, S. L.; Boruff, B. J.; & Shirley, W. L. (2003). "Social vulnerability to environmental hazards", *Social Science Quarterly*, Vol.84, No.2, pp: 242-261. <https://doi.org/10.1111/1540-6237.8402002>.
- [26]. Emel, J.; & Peer, R. (1989). "Resource management and natural hazards", In Peet, R. and Thrift, N. (EDS) *New models in geography*, Vol.1, pp. 49-76. Unwin and Hyman, London.
- [27]. Hewitt, K. (1983). *Interpretation of calamity*, Allen and Unwin, Boston and London.
- [28]. Vatsa, S. K. (2004). "Risk, vulnerability, and asset-based approach to disaster risk management", *International Journal of Sociology and Social Policy*, Vol.24, pp:1-48. <https://doi.org/http://dx.doi.org/10.1108/MRR-09-2015-0216>.
- [29]. Siagian, T. H.; Purhadi, P.; Suhartono, S.; & Ritonga, H. (2014). "Social vulnerability to natural hazards in Indonesia: Driving factors and policy implications", *Natural Hazards*, Vol.70, No.2, pp.1603-1617. <https://doi.org/10.1007/s11069-013-0888-3>.
- [30]. Yi Ming, W.; Ying, F.; Cong, L.; & Hsien Tang, T. (2004). "The assessment of vulnerability to natural disasters in China by using the DEA method", *Environmental Impact Assessment Review*, Vol.24, No.4, pp.427-439. <https://doi.org/10.1016/j.eiar.2003.12.003>.